نشریه علمی پژوهش‌نامه اخلاق
دوره پانزدهم، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۵۸ ـ ۱۳۷

Scientific Journal
PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
Vol. 15, Summer 2022, No. 56
Scientific Research Article

نقشه راه و مدل عملیاتی اخلاق و معنویت در گام دوم انقلاب اسلامی

محمود پاکیزه*

چکیده

یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی معنویت و اخلاق است، که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب بدان پرداخته است. کسب معنویت و اخلاق و نیز تقویت روحیه معنوی و اخلاقیِ جامعه جز با ارائه نقشه راه و مدل عملیاتی ممکن نیست. با توجه به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت انقلاب اسلامی، می‌توان راهبرد نظام اسلامی را به دو مرحلهٔ اصلی و فرعی (دم‌دستی و دوردست) تقسیم کرد. راهبرد کلان و اصلی نظام اسلامی برای ارتقای معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی گفتمان‌سازی معنویت است، که در پنج گام شناسایی و شناساندن ارزش، تبدیل آگاهی به معرفت عمومی، تبدیل معرفت به باور عمومی، و تبدیل باور به رفتار امکان اجرا دارد. راهبردهای فرعی برای ارتقای معنویت عبارت است از: تقویت بنیه دینی با خودسازی و کادرسازی و تقویت نظام آموزشی با ترسیم نقشهٔ جامع آموزش و پرورش. برآمده از این راهبردها و برای رسیدن به اهداف فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی راهکارهایی چند ارائه می‌شود: نبرد نامتقارن فرهنگی، جوشش معنویت از بالادست، ارائهٔ الگوی عملی معنویت اصیل، انقلاب مستمر، حذف عوامل مخلّ و شاخص‌سازی مفاهیم معنوی.

واژگان کلیدی

معنویت، اخلاق، گام دوم انقلاب، گفتمان‌سازی، شاخص‌سازی.

---

*. استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق‌علیه‌السلام و مدرس دروس معارف.
mahmood_pakizeh@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۱۴۰۱/۶/۱۹

طرح مسئله

أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَ قائِماً يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ؟ قُلْ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ؟ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ. (زمر / ۹)

آیا [انسانِ بی‌اعتقاد برابر است با] آن‌کس که در ساعت‌های شب، پیوسته مشغول نماز و سجده است و از عذاب آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگار خویش امیدوار. بگو: آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند با یکدیگر برابرند؟ و جز خردمندان کسی پند نتواند گرفت.[۱]

پدیده انقلاب نه مقطعی تاریخی و پایان‌پذیر بلکه حرکتی مستمرّ و پیش‌رونده به‌سوی افقی مشخص برای اتصال به جریان عظیم موعود است. چنین حرکتی نیازمند جریان‌سازی مستمرّ، صبر و استقامت و پافشاری بر آرمان‌ها و تقویت معنوی است.

بیانیه گام دوم انقلاب ـ که از سوی امام خامنه‌ای (مدظلّه‌العالی) ارائه شده است و شاخصی روشن در ادامه روند انقلاب اسلامی است ـ از «تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر» خبر می‌دهد. بهترین دفاع در عرصه هجمه فرهنگی و نفوذ معنوی دشمن ـ نفوذی که سبب تضعیف عزت اسلامی است ـ عملکرد فعال، به‌جای عملکرد منفعل و مواجهه فعال و «انقلاب مستمرّ» است؛ بایستی معنویت از قله‌ها بجوشد و بر دامنه‌ها ببارد، پیام‌های معنوی پرتکرار و به تعبیرها و شیوه‌های گوناگون بر جان آحاد جامعه بنشیند و معنویت به گفتمان روز بدل شود.

رسیدن به جامعه معنوی با مردمی متخلق به اخلاق اسلامی و پایبند به اصول انسانی خواهان رویه‌ای مناسب، نقشه‌ای درخور و مدل عملیاتی دقیق است، که پژوهش حاضر درپی پاسخ‌گویی به این دغدغه نگاشته شده است. سؤال پژوهش این است: «طرح عملیاتی پیشنهادی برای جریان‌سازی معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟»

۱. مفهوم‌شناسی

۱ـ۱. معنویت

ـ **مفهوم لغوی:** ریشه واژه معنویت «عنی» است و واژه «معنا» نیز از همین خانواده است. برای معنای

---

۱. نیز «أَ وَ مَنْ كانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُماتِ لَيْسَ بِخارِجٍ مِنْها؟ كَذلِكَ زُيِّنَ لِلْكافِرِينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ؛ آیا آن‌کس که [دل او] مرده بود، ما زنده‌اش کردیم [به ایمان]، و برای او نوری [از علم و حکمت] قرار دادیم، که با آن در میان مردمان راه می‌رود، با کسی برابر است که در تاریکی‌ها جای دارد و به بیرون آن راه نمی‌برد؟». (انعام / ۱۲۲)

لغوی «معنا» معانی‌ای از این دست آمده است: مفهومِ آنچه واژه یا ترکیب یا جمله بر آن دلالت دارد، منظور، مقصود، غایت، و اهمیت و ارزش و اعتبار. (انوری، ۱۳۸۱: ۷ / ۷۱۸۳؛ حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۱۲؛ علیزمانی، ۱۳۸۶: ۵۹) برای نمونه، در تعبیر «معنای زندگی» در صورتی که «معنا» به مفهومِ ارزش، اهمیت و اعتبار لحاظ شود، مفهومِ این پرسش که «آیا زندگی معنا دارد؟» این است که آیا زندگی ارزش [زیستن] دارد یا ارزش [زیستن] ندارد؟

و «معنوی» [منسوب به معنی] حقیقی، باطنی و روحانی را گویند، در برابر صوری و مادی. پس، هرآنچه راجع به باطن شخص و روح او باشد را شامل می‌شود. شاید بتوان گفت: هرآنچه با روح و باطن و جهات عالی و انسانیت انسان در ارتباط باشد، «معنوی» نامیده می‌شود و «معنویت» مصدر جعلی از آن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه معنوی؛ معلوف، ۱۳۸۵: ذیل واژه عنی)

ـ **مفهوم اصطلاحی:** بدان بیان که از مفهوم «معنوی» ارائه شد، مفهوم اصطلاحی معنویت در فرهنگ دینی مشخص می‌شود. تعبیر علامه طباطبایی از معنویت «کمالات درونی» انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۵۶۷) و شهید مطهری معنویت را معادل «هرچه درونی و باطنی برای انسان است» می‌داند (مطهری، بی‌تا: ۱۳ / ۳۷۶) و جنبه روحی و ملکوتی‌ای که انسانیت انسان از آن ناشی می‌شود را جنبه معنوی انسان می‌نامد. (همان: ۳ / ۵۱۵) و علامه حسینی طهرانی معنویت را این‌گونه تفسیر می‌نماید: «معنویتْ حالت روحانیت و سبکی و نورانیت روحی است که امکان تقرب به خدای سبحان را برای انسان فراهم می‌آورد». (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸ق: ۲۰۳) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تعبیر ساده‌ای را در تفسیر معنویت برگزیده است: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکّل و ایمان در خود و در جامعه است». (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب)

بدین‌بیان مراد از معنویت قابلیت و قدرت بالقوه درونی است که با معرفت، ایمان، عمل به شریعت اسلامی و با عبودیت و بندگیِ آگاهانه و مخلصانه و خاشعانه خداوند متعال بروز می‌یابد و در دل و روح انسان حیات و نورانیت ایجاد می‌کند و در اندیشه، اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی تجلی می‌نماید.

با این اندیشه، از بیل زدن یک کشاورز در مزرعه گرفته تا چشم‌پوشی از میلیاردها ثروت در راه خدمت به انسان‌ها ـ که نهال‌های باغ خداوندی‌اند ـ از مطالعه یک سطر دانش برای رسیدن به قوانین واقعی هستی گرفته تا تلاش برای پاسداری از مرزهای فکری نظام اسلامی، از کارگری برای تأمین معیشت و از مدیریت صحیح کارفرما گرفته تا خانه‌داری و بچه‌داری زنی در خانه، همه و همه،

با شرط قصد قرب الهی، عبادت معبود یگانه است و سبب افزایش معنویت است. پیامبر اکرمﷺ در عمل به فرمان شب‌زنده‌داری (طه / ۴ ـ ۱؛ اسراء / ۷۹) آنقدر اهتمام داشت که قدم‌های مبارکش متورّم می‌شد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۶ / ۲۸۸) این مداومت چنان بود که حضور در صحنه‌های بحرانی همچون جنگ بدر نیز آن‌حضرتﷺ را از توجه شبانه به عالم بالا باز نمی‌داشت و بلکه اهتمام حضرت را بیشتر می‌ساخت. (ر.ک: دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۲ / ۲۳۹)

۱ـ۲. اخلاق

ـ **مفهوم لغوی:** اخلاق در لغت به‌معنای دین، سرشت و سجیه به‌کار رفته است. (ر.ک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۶ / ۳۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۴ / ۱۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۴ / ۱۴۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۹)

ـ **معنای اصطلاحی:** اندیشمندان اخلاقْ کیفیتی نفسانی را که ثابت و مستمر در نفس است ملکه می‌نامند. به این حالت نفسانی که هیئت راسخه در نفس شده آنگاه که مقتضی صدور فعل انسانی بدون تفکر و محاسبه است خلق گویند. (مسکویه، بی‌تا: ۵۸ ـ ۵۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق: ۵۴؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۱) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تعبیر ساده‌ای را در تفسیر اخلاق برگزیده است: «اخلاق به‌معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیّات نیکو است». (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب) تعریف پیشین هر دو شق اخلاق را از خوب و زشت دربر می‌گیرد اما بدین بیان، مراد از اخلاق آنگاه که مطلق بیاید تنها اخلاق فضیلت است.

۱ـ۳. بیانیه گام دوم انقلاب

در آغاز چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده است.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) است» نزدیک خواهد کرد.

۱ـ۴. انقلاب اسلامی

انقلاب[1] در نگاه اندیشمندان اسلامی گاه به‌تنهایی مدنظر است، چنان‌که شهید مطهری در تعریف انقلاب می‌نویسد:

> انقلاب عبارت است از طغیان و عصیانی که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس، ریشه‌های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب. (مطهری، بی‌تا: ۲۴ / ۱۳۹)

و گاه، ناخودآگاه، با قید مکتبی و ارزشی بدان نگریسته می‌شود، چنان‌که شهید آیت‌الله صدر انقلاب را جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتب معیّنی می‌شمارد که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است. (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰؛ حسینی، ۱۹۸۹م: ۳۶۲ ـ ۳۶۱)

یکی از نمونه‌های انقلاب ارزشی که تعریف فوق بر آن منطبق است انقلاب اسلامی ایران است، انقلابی مبتنی بر مبانی عقیدتی و ارزشی اسلامی و برآمده از آرمان‌های اسلام، انقلابی که نظام مرتجع و وابسته به بیگانه را سرنگون کرد و سبب تحول بنیادین در آرمان‌ها شد.

نقش معنویت و اخلاق در تمدن نوین اسلامی: اگر اخلاق به همان معنایی که اسلام طلب می‌کند ـ نه معنای سکولار آن ـ در جامعه اسلامی نباشد، تضاد اسلامی نامیدن جامعه و نبود رنگ معنویت اصیل در آن خود به مزاحمی برای پیشرفت بدل خواهد شد؛ آنگاه، انسان همه واقعیات و ارزش‌ها را در خدمت خودِ طبیعی و منِ حیوانی می‌بیند و علم، هنر، شرف و حیثیت انسانی، مذهب، حقوق، سیاست و نیز فرهنگ و تمدن را در راستای اهداف و اغراض نفسانی و تمتع مادی ارزیابی می‌کند ـ که اگر در مواردی با این انگیزه‌های نفسانی همسو نگردند، به کناری نهاده می‌شوند ـ و نمادهای تمدن را وسایل اشباع غرائز و خواسته‌های خودِ طبیعی می‌پندارد:

معنویّت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛

---

۱. هانا آرنت پیشینه تاریخی کاربرد واژه انقلاب از فضای علمی به فضای سیاسی را چنین ترسیم می‌کند: «واژه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است، آنگاه که کپرنیک با نظریه خورشید مرکزی منظومه شمسی سبب انقلابی بزرگ در علوم طبیعی بلکه در نگاه انسان به هستی شد. این واژه در سده هفدهم میلادی (۱۶۶۰م) برای نخستین‌بار برای بیان دگرگونی سیاسی یک جامعه به‌کاررفت و در مرحله بعدی، گذر از عصر کشاورزی به عصر صنعتی انقلاب نامیده شد». (آرنت، ۱۳۶۱: ۳۶)

بودن آنها محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت می‌سازد و نبودن آن، حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد. (فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب)

از سوی دیگر، با معنویت است که جامعه متحول می‌گردد، چنان‌که امام خمینی‌ﷺ در نقش معنویت در غلبه بر دشمن می‌فرماید:

> رمز پیروزی ما فقط معنویت بود. این بود که توانست ما را قدرتمند کند و بر دشمنان غالب کند بر دشمنانی که تا دندان مسلح بودند. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۷ / ۳۷۷)
>
> تا آنجا معنویت و کسب درجات ایمان در تحول انقلابی و ظلم‌ستیزی جامعه اثر دارد که ایشان فقدان معنویت را سبب سلطه‌پذیری می‌داند و می‌فرماید: «زیر بار ظلم رفتن مانند ظلم کردن، از ناحیه عدم‌تزکیه است. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸ / ۴۹۹)
>
> هدف بلندمدت و انگیزه‌بخش جامعه پیشروی انقلاب اسلامی به‌سوی ایجاد تمدن اسلامی است. داعیه ما ایجاد تمدنی است که یکی از مؤلفه‌های مهم آن معنویت و اخلاق و اتکا به خدا، وحی الهی و تعلیم و هدایت الهی است؛ امروز اگر یک‌چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادتمند خواهد شد. (ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۱/۴/۳۱)

۲. گفتمان‌سازی؛ راهبرد اصلی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق

راهبرد اصلی نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه راهبرد «گفتمان‌سازی معنویت» است. شکل‌گیری معنویت و اخلاق هم‌تراز با آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌معنای شکل‌گیری گفتمانی است جریان‌ساز که سبب بالندگی و رشد اهل ولایت و علت خشم دشمن است:

> وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوي عَلي سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ. (فتح / ۲۹)

و اما توصیف‌شان در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری رشد و نموّ کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

مراد از نظام اسلامی مهندسی و شکل‌گیری طرح کلی اداره جامعه با هویت اسلامی است، بدین بیان که منبع قانون‌گذاری، ملاک اجرای قوانین و ارکان تصمیم‌گیری کشور هم‌آهنگ با ارزش‌های اسلامی تعریف شود. (ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۹/۹/۱۲؛ ۱۳۸۰/۹/۲۱؛ ۱۳۸۴/۶/۸، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

و مراد از گفتمان ـ در رویکرد انقلابی به آن ـ همه‌گیرشدن یک ارزش و یک معرفت در برهه‌ای از زمان است به‌طوری‌که آن معرفت مورد اقبال همگان قرار گیرد و همه به آن توجه کنند. (ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۹/۲۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۱۵) و گفتمان‌سازی به‌معنای فراگیر کردن و عمومیت‌بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است به‌گونه‌ای که به‌سبب فضای فکری به‌وجود آمده، همه در آن فضا فکر می‌کنند و می‌اندیشند، پیرامون آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت‌گیری می‌کنند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار می‌کنند و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند، و سبب تولد و توسعه دانش‌ها می‌شوند. (ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۷/۲/۱۴ و ۱۳۹۰/۷/۱۳ و ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

گفتمان‌سازی نیازمند «آگاهی به ارزش» با تصویرسازی صحیح، «تبدیل آگاهی به معرفت عمومی» با تبیین لازم عالمانه و منطقی، «تبدیل معرفت به باور عمومی» با تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش، و «تبدیل باور به رفتار» با ارائه الگوی عملی و «تبدیل رفتار به فرهنگ» با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری است که به‌واسطه آن، ارزش مدنظر در جامعه هدف به گفتمان غالب تبدیل شده، همت و عزم آنها را راسخ کند و زمینه را برای تحقق ارزش و اندیشه فراهم سازد. (ر.ک: بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۹/۲۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

مجموع این مراحل را می‌توان در حدیث گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی‌ﷺ یافت که می‌فرماید:

> الْعُقُولُ أَئِمَّةُ الْأَفْكَارِ وَ الْأَفْكَارُ أَئِمَّةُ الْقُلُوبِ وَ الْقُلُوبُ أَئِمَّةُ الْحَوَاسِّ وَ الْحَوَاسُّ أَئِمَّةُ الْأَعْضَاءِ.
> (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱ / ۹۶)
>
> عقل‌ها پیشوایان فکرها و اندیشه‌ها است، و فکرها پیشوایان دل‌ها، و دل‌ها پیشوایان حسّ‌ها (درک کردن و دریافتن) و حسّ‌ها پیشوایان أعضاء و اندام‌ها می‌باشد.

فرایند گفتمان‌سازی را می‌توان به‌صورت زیر طراحی نمود:

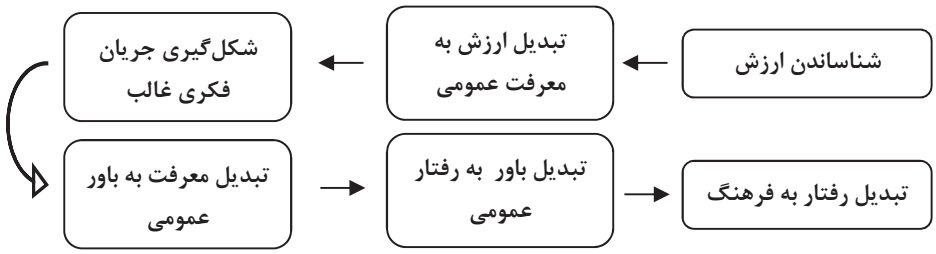

گفتمان‌سازی معنویت در چهارچوب این فرایند بدین‌صورت است:

ـ **گام اول:** شناساندن، برافراشتن و بر سرِ دست بلند کردن ارزش‌ها، تا جامعه هدف فهم و درک صحیحی از ارزش‌ها پیدا کرده، آنها را از ضد ارزش‌ها تمییز دهد، چنان‌که در مفهوم‌شناسی، تعریفی روشن از معنویت اصیل و شاخص‌هایی برای تفکیک آن از معنویت غیراصیل ارائه شده است.

ـ **گام دوم:** تبدیل آگاهی به معرفت عمومی، معرفتی عمیق، زنده، پویا و اثرگذار. برای آنکه آحاد جامعه‌شناختی ژرف (معرفت) از معنویت بیابند، چاره‌ای جز تبیین عالمانه منطقی نیست. برای نمونه، مولای متقیان علی‌علیه‌السلام اهل معنویت و یاد خدا را این‌گونه وصف می‌کند و تصویری شوق‌انگیز از ارتباط و نزدیکی با پروردگار ارائه می‌فرماید: «برای یاد خدا اهلی هست که ذکر را به‌جای دنیا برگزیده‌اند و هیچ دادوستدی آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد؛ با ذکر او، روزگار خود را سپری می‌کنند و پیوسته پیرامون حرام‌های خدا به غفلت‌زدگان هشدار می‌دهند. به عدالت امر می‌کنند و خود پایبند به آن‌اند و از زشتی بازمی‌دارند و خود گرد آن نمی‌گردند. گویا از دنیا عبور کرده و وارد آخرت شده‌اند و پسادنیا را مشاهده می‌کنند!» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۴)

ـ **گام سوم:** تبدیل معرفت به باور عمومی، که در پرتو تفکر و ذکر پیامدهایِ نبود یک گفتمان در جامعه امکان‌پذیر است. برای اینکه «معنویت» از مرحله معرفت و دانش صِرف خارج شود و به باور افراد تبدیل گردد، از این راهکار استفاده می‌شود، چنان‌که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به برخی از تبعات فقدان معنویت در جوامع اشاره می‌کند تا مخاطبان را به تفکر وادارد تا مطلوبیت این ارزش را دریافته، آن را با تمام وجود بپذیرند و مطالبه کنند: «این جنگ‌ها، استکبارها، ظلم‌ها، شکاف‌های طبقاتی، غارت ثروت ملت‌ها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌گرایی‌هایی که در بین نسل‌های گوناگون انسان در سطح دنیا دارد مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است». (۱۳۸۳/۳/۲۷)

ـ **گام چهارم:** در گفتمان‌سازی تبدیل باور به رفتار عمومی با استفاده از ظرفیت اثرگذاری نخبگان

و خواص جامعه و ارائه الگوی مناسب است. برای نمونه، با ارائه الگوهایی از معنویت در دفاع مقدس می‌توان به بسط معنویت در جامعه دل بست.

ـ **گام پنجم:** تبدیل رفتار به فرهنگ. یادآوری پیاپی ارزش‌ها در تبلیغ خوبی‌ها راه تبدیل رفتار به فرهنگ است.

برای گفتمان‌سازی ترفندهای متعددی را می‌توان تعریف کرد. در ادامه، به برخی از این ترفندها اشاره می‌شود.

۲ـ۱. حذف گفتمان‌های معارض

یکی از ترفندهای مهم در گفتمان‌سازی حذف گفتمان‌های معارض است، که از آنها با نام سیاه‌نما (پارازیت) یاد می‌شود؛ سیاه‌نماها، یعنی عوامل مخلّی که یک ارتباط مؤثر را ناکارآمد می‌سازند. این عوامل موانع برقراری ارتباط سازنده در سطح خرد و کلان‌اند. با وجود پارازیت‌ها، پیامی که قرار است طیّ فرایند انتقال ـ با تبلیغ چهره به چهره، سخنرانی، روضه‌خوانی، مشاوره یا تدریس، حلقه‌های دینی، یا با یاری رسانه‌ها، مانند رادیو، تلویزیون، کتاب یا روزنامه یا با طیّ روند قانونی ـ آگاهی‌بخشِ آحاد جامعه باشد، به شکل صحیح و مناسب به ایشان نمی‌رسد.

پارازیت‌های گفتمان‌سازی، درواقع، همان گفتمان‌های معارض‌اند. برای نمونه، وقتی از معنویت اصیل سخن به‌میان می‌آید، عرفان‌های نوظهور پارازیت و مانع نهادینه‌شدن معنویت در جامعه و سبب نفوذ فرهنگی دشمن است. معنویت اصیل رقبایی از معنویت انحرافی دارد که به اصول معنویت اصیل و آسمانی پایبند نیستند. این جمع دورافتاده از معنویت اصیل را در جرگه «معنویت انحرافی» جای می‌دهیم. (ر.ک: حمیدیه، ۱۳۹۲: ۵۰ ـ ۲۹) مکاتبی مانند تائوئیسم، هندوئیسم و بودیسم متدهایی قدیمی برای رهایی انسان از درد بی‌معنایی زندگی‌اند و عرفان‌های نوظهور شکل بدیع این حیرت‌زدگی‌اند. (برای توضیح بیشتر ر. ک. الهام‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۵ ـ ۳۰)

معنویت‌های نوپدید و انحرافی دارای ویژگی‌های مشترکی از این دست می‌باشند:

ـ بهره‌برداری از اصول معنویت کهن که با اصول مدرنیته سازگار باشد.

ـ سازگاری با روال عادی زندگی.

ـ آسان نشان دادن مبانی معرفتی و عملی و نیاز نداشتن به ریاضت‌های دشوار شرعی.

ـ استفاده از بهترین روش‌های بیانی، مانند ادبیات و هنر.

ـ فراهم ساختن آرامش موقت.

ـ درون‌گرایی و ستم‌پذیری و پذیرش نظام سلطه. (ر.ک: نگارش، ۱۳۹۰)

۲ـ۲. نبرد نامتقارن

مراد از نبرد نامتقارن مبارزه نرم فرهنگی با مفاهیم خودی در زمین غیرخودی یا اقدام مناسب با گفتمان خودی در سرزمین غیرخودی است. گفتمان‌های معارض از ابزارهایی برای تبلیغِ باورهای غلط خویش بهره می‌برند که گستردگی دامنه، به‌روزبودن، و بهره‌مندی از جاذبه‌های مادی از ویژگی‌های آن است. با این حال، مروّجان معنویت اصیل، در این تقابل فرهنگی، از ابزاری برخوردارند که در عین سادگی، بُرّا و گیرا و نافذ است و این ابزارها را دشمن ندارد، مثل رابطه معنوی آحاد جامعه با ولایت، مفهوم ژرف شهادت، مظلومیت شهادت طفل شش‌ماهه در کربلا، انتظار ظهور و جریان پیاده‌روی اربعین حسینی.

نمونه‌ای از جنگ نامتقارن حماسه‌ای است که شهید «محسن حججی» خلق کرد. وی با قاعده خودی و اصل ولایتمداری و ثبات قدم در باور در زمین دشمن نقش شایسته خویش را به ثمر رساند و شهادت‌طلبی را در جامعه یک‌بار دیگر ـ و این بار با درکی والا از شهادت و از حماسه کربلا ـ گفتمان‌سازی نمود.

یکی دیگر از نمونه‌هایی که در نبرد نامتقارن کارآ است ایجاد رابطه معنوی و درس‌آموز با شهدا و ارائه اندیشه ایشان و سعی در ایجاد رابطه عاطفی و واقعی جوانان با شهیدان است. این راهکار درواقع نوعی شاخص‌سازی برای همه‌گیر شدن گفتمان شهادت است.

۲ـ۳. شاخص‌سازی

تنها با شاخص و معیار مصوّب است که می‌توان وضع موجود را سنجید و فاصله آن با وضع مطلوب را حدس زد و برای رسیدن به وضعیت استاندارد برنامه ریخت. روند شاخص‌سازی به‌گونه‌های مختلف ممکن است. یکی از رویه‌های شاخص‌سازی برای گفتمان‌سازی معنویت ارائه شاخص کمیّ به‌جای مفاهیم کیفی است. هرچند شاخص‌سازی کیفی به‌راحتی ممکن نیست، اما نمی‌شود از این واقعیت چشم پوشید که پایش و اندازه‌گیری بدون شاخص‌سازی امکان ندارد. می‌توان میزان پایبندی آحاد جامعه به شایستگی‌های دینی را با سنجه‌هایی آماری به‌دست‌آورد و برای رسیدن به‌وضع مطلوب، الگوی مناسب و کالک عملیاتی را طراحی نمود و نیز می‌توان از این سنجه‌ها برای تشخیص میزان مشارکت عموم در گفتمان دینی بهره برد و به برنامه‌ریزی پرداخت.

رویه دیگر در شاخص‌سازی برای بسط معنویت در جامعه ارائه الگوهای برتر است. برای نمونه، معرفی الگوهای دفاع مقدس یاری‌رسانی به گفتمان‌سازی معنویت در جامعه است، چنان‌که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در امکان الگوگیری نسل جوان از شهدا می‌فرماید:

> سعی کنید چهره شهدا را آن‌چنان که هست برای جوان‌های امروز روشن کنید؛ این نمادها می‌شوند الگو برای جوان. و این به آنجا منتهی بشود که جوان‌ها بتوانند در بین این چهره‌هایی که معرّفی شده‌اند و نشان داده شده‌اند، برای خودشان الگو انتخاب کنند به آنها دل ببندند و راه آنها را دنبال کنند ... . (۱۳۹۸/۹/۲۵)

معرفی الگوهای دینی در تقویت بنیه دینی آحاد جامعه و ارتقای معنویت نیز مؤثر است، که در عنوان بعدی به‌تفصیل بیان خواهد شد. به‌ویژه در بحث الگوگیری می‌توان با الگو قراردادن ولایتمداران غریب نتیجه‌ای شگرف را انتظار داشت، چنان‌که آیت‌الله زکزاکی با الگو قراردادن «جَوْن» انقلابی عقیدتی در میلیون‌ها جوان نیجریه‌ای ایجاد کرد.

۲ـ۴. واژه‌سازی

یکی از ترفندهای گفتمان‌سازی مفاهیم دینی و معنوی «واژه‌سازی» است که با هدف روح‌بخشی و ژرف‌اندیشی در مفاهیم معنوی و انقلابی به‌کار می‌آید؛ تصور و ادراک افراد از مفهوم با واژه‌هایی که ارائه می‌گردد بسط و عمق می‌یابد. برای نمونه، مفاهیمی همچون «وَ قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره / ۱۹۰) و «صَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره / ۲۱۷)، «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدينَ» (نساء / ۹۵) و «وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ» (حج / ۷۸) را می‌توان ازجمله دال‌های گفتمان جهاد در اسلام برشمرد. مفاهیم معنوی چون تقوا، ایمان، جهاد وشهادت بایستی با واژه‌های گوناگون بیان و تبلیغ شوند، واژه‌هایی که هریک سطحی از آن مفهوم اصلی را برای مخاطب کشف می‌کند.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تبیین این راهکار می‌فرماید:

> ـ ... وقتی یک فکر جدید ـ مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی ـ مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القا می‌کند. لذا، این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد. اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند. (۱۳۹۰/۷/۲۲)

یکی از چاره‌های پیشبرد این راهکار، به‌ویژه در مباحث روز، بهره‌گیری از توان کلیدواژه‌ها در سخنان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که همچون راهبردشناس زبردست مفاهیم مناسبی را تولید

و به فرهنگ جامعه تزریق می‌کند، مثل کلیدواژه‌های «بصیرت دینی» و «آتش‌به‌اختیار». (ر.ک: سالاری، ۱۳۹۶)

۳. راهبردهای فرعی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق

در کنار راهبرد گفتمان‌سازی راهبردهای دیگری ارائه‌شدنی است که غیرمستقیم اما توانمند در ارتقای معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی مؤثرند. دو راهبرد فرعی بسط معنویت و اخلاق تقویت بنیه دینی و تقویت نظام آموزشی است. هم‌پوشانیِ عنوان‌ها مخلّ به اصل بحث نیست. برای نمونه، نگارنده آگاه است که تقویت بنیه دینی آحاد جامعه بدون گفتمان‌سازی و بدون الگوگیری از بزرگان دینی ممکن نیست اما در اینجا، سخن بر سر این است که معنویت اصیل جز با تقویت بنیه دینی تحقق‌پذیر نیست، چراکه عرفان عملی و سلوک معنوی جز با عمل به شریعت و پایبندی به اصول دین شدنی نیست.

۳ـ۱. تقویت بنیه دینی آحاد جامعه اسلامی

رسیدن به معنویت اصیل و ارتقای آن در سطح جامعه با تقویت بنیه دینی در دو زاویه درک مفاهیم دینی و سلوک عملی ممکن است. برای نمونه، درک واقعی از توحید و آگاهی از تأثیر آن در زوایای زندگی سبب می‌شود باور به توحید در گوشه‌گوشه زندگی نقش‌آفرین و معنویت‌افزا باشد. از سویی دیگر، پایبندی به احکام شرعی و همگانی شدن این رویه در جامعه ازجمله رعایت حجاب اسلامی، حرمت‌گذاری به ماه رمضان، حضور نسل جوان در اعتکاف و فعالیت در اردوهای جهادی سبب گرایش روزافزون به معنویت و دلبستگی به اصول اخلاقی خواهد شد. از نظر متون دینی، تنها راه رسیدن به سعادت و عرفان واقعی عمل به شریعت و احکام اسلامی است. علامه طباطبایی (قدس‌سرّه) در این باره می‌نویسد:

> اینکه انسان راهی برای رسیدن به حقایق و باطن دین دارد درست است. ولی راهِ آن به‌کاربستن درست و شایسته همین ظواهر دینی است؛ البته، آن‌طوری که حقِّ به کار بستن است، نه به هر طوری که دلمان بخواهد و حاشا بر حکمت پروردگار که حقایقی باطنی و مصالحی واقعی باشد و ظواهری را تشریع کند که آن ظواهر بندگانش را به آن حقایق و مصالح نرساند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵ / ۵۹)

یکی از راهکارهای تقویت بنیه دینی ارائه الگوی صحیح به جامعه است. الگوگیری از بزرگان حوزوی و برجستگان معنوی روشی روشن و اثربخش برای ترویج اندیشه دینی و هدایت جامعه

اسلامی به‌سمت معنویت اصیل است. ازاین‌روش در روان‌شناسی اجتماعی به نام همانندسازی[1] یاد می‌شود که در آن، نمونه‌ای از رفتار و کردار مطلوب، به‌صورت عملی در معرض دید شخص قرار می‌گیرد تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل نمونه را در خودش پدید آورد. شخص می‌کوشد تا خود را همانند فردی که به نظرش شخصیت قابل‌قبولی دارد کند و نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و هیجان‌های او را سرمشق خود قرار دهد. این رویه برای کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که آن فرد را پسندیده و نفوذ او را پذیرفته است. (برای نمونه ر.ک: برگ، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۹۴؛ ارونسون، ۱۳۸۲: ۶۲ ـ ۶۱)

الگوگیری از شهدای کربلا و بسط کلام به شهدای دفاع مقدس راهکاری مناسب برای تشویق و تهییج افراد در گرایش به معنویت است. برای نمونه، داستان ذیل عبرت‌آموز است:

ـ شهید مصطفی کاظم‌زاده نقل کرد: وضع مالی‌اش خوبه. کاملاً بی‌حجاب بود و با لباس‌های زننده... . اون روز اومد جلو و عز و التماس که من عاشقت شده‌ام ... برای اینکه از دستش خلاص بشم، تا آبروم توی کوچه نرفته، قرار گذاشتم بعد از ظهر بیاد به پارک محله تا ببینم حرف حسابش چیه. اما به شرطی که آرایش نکنه و چادر مشکی سرش باشه. اومد سر قرار و روی نیمکت ... نشست... . داشتم آتیش می‌گرفتم. اصلاً، حرف نمی‌زد که. فقط التماس می‌کرد. اونقدر از خوشگلی من حرف زد که داشتم داغ می‌کردم. همه‌اش توی دلم صلوات می‌فرستادم که یه وقت گول حرفاش رو نخورم. راحت داشت ازم برای گناه التماس می‌کرد. وحشی شده بود. حرفاش که تموم شد قبول کردم برم خونه‌شون! تا گفتم می‌آم از ذوقش جیغ زد و گفت که اتفاقاً، الان هیچ‌کس خونه‌شون نیست. جدی‌جدی باورش شده بود که من می‌رم خونه‌شون. یه شرط براش گذاشتم. گفتم: هرکاری که تو بگی و هرکار کثیفی که تو بخوای انجامش می‌دم اما شرط داره که همین الان چشمت رو ببندی و فکر کنی الان فردا صبحه و من دارم می‌رم پیش بچه‌های محل تا براشون تعریف کنم که تو چه راحت التماسم کردی و منم با تو چی کار کردم. جا خورد. گفت: این که بی‌معرفتیه. گفتم: این کار کجاش بامعرفتیه که اینجاش بی‌معرفتی باشه؟! گناه و فساد همه‌اش همینه. دوست دارم پیش دوستام پُز بدم که چی شد. زد زیرگریه که من عاشقتم. گفتم: این عشق نیست که توش التماس کنی که باهات تنها باشم. بعد از اون کار دیگه نه من واسه تو ارزش دارم نه تو برای من... .

بعد از شهادت مصطفی، خواهرش می‌گفت: از روزی که مصطفی شهید شده یه دختر چادری می‌آد

1. Identification.

پشت در خونه ما و جلو عکس مصطفی روی در می‌ایسته و گریه می‌کنه. تا در رو باز می‌کنم در می‌ره. (داودآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۱ ـ ۱۳۶ [با تلخیص])

راهکارهای دیگر تقویت بنیه دینی و معنوی آحاد جامعه عبارت است از: تقویت غیرت دینی، تهییج حماسی و حسینی آحاد جامعه اسلامی، تقویت روحیه توسل به ولیّ خدا که لنگرگاه آسمان و زمین است، تقویت روحیه انتظار، به‌گونه‌ای که ظهور حضرت مهدی‌ﷺ دم‌به‌دم دغدغه آحاد مؤمنان باشد، که تبیین این مباحث مجالی دیگر می‌طلبد. خلاصه‌ای از راهکارهای تقویت بنیه دینی آحاد جامعه در دو کلیدواژه خودسازی و کادرسازی متصور است.

درباره کلیدواژه خودسازی به همین بسنده می‌شود که هرکس پیش و بیش از آنکه در اندیشه اصلاح دیگران باشد باید به رشد معنوی خود بپردازد، چراکه در آن صورت گمراهی دیگران ضرری را متوجه او نمی‌کند:

> يَـٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لاَيَضُرُّكُم مَّن‌ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ. (مائده / ۱۰۵)
> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مواظب خودتان باشید که در آن صورت هر کس گمراه شود به شما زیانی نخواهد رسید.

خودسازی بر دگرسازی در جایگاه عمل مقدم است؛ هرکس پیش و بیش از آنکه در اندیشه اصلاح دیگران باشد باید به رشد معنوی خود بپردازد چنان‌که حضرت علی‌ؑ فرمود:

> كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَا يُصْلِحُ نَفْسَهُ. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴ / ۵۶۴)
> چگونه اصلاح می‌کند غیر خود را کسی که اصلاح نمی‌کند نفس خود را؟

بسط کلام درباره خودسازی، خود نوشتاری مستقل می‌طلبد.

درباره کلیدواژه کادرسازی به همین بسنده می‌شود که هدف والای کادرسازی تربیت نسلی است که سربازان امام زمان‌ﷺ در هنگام ظهور باشند، سربازانی که پیامبراکرم‌ﷺ در وصف ایشان فرمود:

> هر یک از آنان اعتقاد و دین خود را با هر سختی نگاه می‌دارد، چنان‌که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک پوست می‌کند یا آتش پردوام و اخگری چوب تاغ را در دست نگاه دارد. آنها مشعل‌های فروزان در تاریکی‌اند و خداوند آنها را از آشوب‌های تیره وتار نجات می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۲۴؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۸۴؛ نیز روایتی از امام صادق‌ؑ در همین مضمون ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۱۱)

۳ـ۲. تقویت نظام آموزشی

امام خمینی‌ﷺ در اهمیت نظام آموزشی می‌فرماید: «اگر کشور ما علم بیاموزد، ادب بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند». (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۳ / ۴۵۱) مراد از نظام آموزشی در این نوشتار تمام نهادهای مؤثر در امر تربیت دینی است از خانواده، مدرسه، دانشگاه و حوزه‌علمیه گرفته تا صدا و سیما و رسانه‌های جمعی. نهادینه‌سازی آرمان‌های دینی در سطح جامعه و پویا کردن آحاد جامعه برای ارتقای معنوی نیازمند برنامه‌ریزیِ توانمند، اجرای مناسب و نیز مطالعات آسیب‌شناسانه است؛ آسیب‌شناسی بدین‌جهت اهمیت می‌یابد که، براساس آن، راهکارهای پیشگیری از آسیب و تقویت نظام آموزشی ارائه می‌گردد و مسیر نفوذ نارسایی‌ها، خودکامگی‌ها و دشمنی‌ها سدّ می‌شود؛ دو نمونه از نقاط ضعف نظام آموزشی عبارت است از: دشواری القای مفاهیم دینی مثل مفهوم خدا و وجود سیاه‌نماها.

دشواری القای مفاهیم دینی به بحث دشواری شاخص‌سازی مفاهیم کیفی برمی‌گردد که توضیح آن گذشت. راهکار شاخص‌سازی تحلیل مفاهیم به مفاهیم کاربردی و سنجه‌ها است. برای مثال، یکی از مفاهیم ناب معنوی ولایتمداری است و این مفهوم در پیوند با مفهوم اطاعت‌پذیری (سرسپردگی) و محبت‌ورزی (دلبستگی) است. هریک از این دو مصداق برتر و نمونه عالی دارند، که دیگران با آن سنجیده می‌شوند. محبت به ولیّ خدا و تقویت روحیه سبقت در فرمانبرداری از امام حق تا بدانجا می‌رسد که از تصور اینکه بعد از ولیّ خدا بماند بر خود می‌لرزد، چنان‌که یاران امام حسینؑ چنین بودند که حتی وقتی امامؑ امر را از گردن آنها برداشت و فرمود:

> أَلَا وَ إِنِّي قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فَانْطَلِقُوا جَمِيعاً فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ مِنِّي ذِمَامٌ هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا. (ابن‌نعمان، ۱۴۱۳: ۲ / ۹۱)
>
> آگاه باشید! به همه شما اذن دادم که برخیزید و بروید بدون اینکه هیچ بیعتی از من بر شما باشد. شب فرارسیده است؛ آن را غنیمت شمارید. عرضه داشتند که یعنی آیا ما بعد از شما نفس بکشیم؟! هیهات.

۴. راهکارهای نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق

نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه می‌تواند دست به تدبیرهایی بزند که برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه راهگشاست. آنچه در ادامه می‌آید سه نمونه از این تدبیرهاست و در فرصتی مغتنم می‌توان به بازشماری بیش از این مورد پرداخت.

۴ـ۱. تکرار پیام‌های معنوی

تکرار پیام معنوی و تأکید بر آن سبب نهادینه‌شدن آن پیام در جامعه می‌شود؛ تکرار پیام برای فراگیر گریزگاهی برای رهایی از غفلت و نیز فرصتی برای هضم پیام دریافتی است، چنان‌که امام خمینی‌ﷺ راه تقویت ایمان را تذکر و تکرار می‌داند و می‌فرماید:

> باید با شدت ارتیاض قلبی و دوام توجه یا کثرت آن و شدت مراوده و خلوت، حقایق ایمانیه را به قلب رسانده تا قلب الهی شود و از تصرف شیطان تهی گردد. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۲۶)

شاید بتوان از سخن امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که «انقلاب یک امر مستمر است». (۱۳۹۴/۶/۲۵)، بتوان به این نکته نقب زد که انقلاب مستمر به استمرار در انتقال پیام برای تربیت دینی و ولایی جامعه است، چنان‌که در قرآن کریم نیز بر استمرار انتقال پیام و بهره‌گیری از طریقه موعظه و پند و اندرز تأکید شده است (ر.ک: قائمی‌مقدم، ۱۳۸۷) و خداوند این روش را به رسول گرامی‌اشﷺ می‌آموزد و به او فرمان می‌دهد: «مسائل را به آنها یادآوری کن و پند و اندرزشان ده که این امر به حال مؤمنان مفید و مؤثر خواهد بود». (ق / ۴۵؛ ذاریات / ۵۵)

بایستی در جمع نیروهای اسلامی و انقلابی این رویه مستمر شود که پیام‌های معنوی برگرفته از سخنان معصومﷺ آغازگر سخن باشد، چنان‌که در روایت به این رویه توصیه شده است:

> تَلاقَوا وَ تَحادَثوُا العِلمَ. فَاِنَّ بِالحَدیثِ تُجلَي القُلُوبُ الرّانِیَهُ وَ بِالحَدیثِ اِحیاءُ اَمرِنا فَرَحِمَ اللهُ مَن اَحیا اَمرَنا. (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۴ / ۶۷)
>
> به دیدن یکدیگر بروید و مطالب علمی (احادیث) را با هم گفتگو کنید، زیرا به وسیله حدیث، دل‌های آلوده پاک و امرِ ما زنده می‌گردد. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد.

و نیز بهره‌گیری از وصایای شهیدان و سخنان بزرگان در انس با خداوند متعال و کسب آزادی معنوی به‌صورت دیوارنویس یا تک‌نگار، و برگزاری مسابقه‌های کتابخوانی و متن‌نویسی با موضوع سبک زندگی ولیّ خدا نمونه‌هایی از اقدام برای این انقلاب مستمرّ معنوی است. در این پیام‌رسانی به دو نکته توجه شود: نخست اینکه گاه بازخوانی طرح و بازخوردگیری از صحنه اجرا نشان از ناکارآمدی آن رویه یا بازخورد منفی دارد. در این صورت، بر اجرای همان رویه اصرار نکنید، که «گزیدگی از یک سوراخ به دو بار است» و مؤمن از آن مبرّا است: «لاَ یُلْسَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَیْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۳). دوم اینکه گاه پیام‌رسانی مستقیم اثر مدنظر را ندارد. بهترین رویه در این زمان «هدف‌گیری ضمیر

ناخودآگاه» است، بدین بیان که ظاهر آنچه برای شنونده یا بیننده رخ می‌نمایاند درباره امر دیگری است و پیام معنوی غیرمستقیم القا می‌شود، بر ضمیر ناخودآگاه می‌نشیند و درون ذهن ته‌نشین می‌شود.

۴ـ۲. جوشش معنویت از قله

معنویت باید از قله بجوشد و آنها که خود پیام‌آور معنویت‌اند بایستی در معنویت پیش‌رونده باشند. ایده مسیریابی چشمه‌ای برگرفته از این سخن امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که برای نهادینه‌کردن معنویت در نهاد سپاه فرمود:

> شما می‌توانید این توجه به معنویت را مثل آبشاری در پادگان و در مجموعه خودتان بریزید. از شما باید سرریز شود ... باید از قلّه بجوشد و پایین بیاید ... شما باید معنویت را بجوشید تا از شما سرریز و لبریز شود و به دیگران بریزد و دیگران فیض ببرند. اگر این کار را کردید سپاه ساخته و کامل خواهد شد. (۱۳۷۷/۲/۱۸)

بیان ساده این دیدگاه در این دو ضرب‌المثل گنجانده شده است: «آب سربالایی نمی‌رود» و «آب مسیر خود را پیدا می‌کند». بدین ترتیب، بایستی مدیران و مسئولان و بزرگان و خواص جامعه اسلامی و نیز مربیان، مبلغان و والدین در تکاپو برای رسیدن به معنویت پیش‌رو باشند.

۴ـ۳. نظارت همگانی

امر به معروف و نهی از منکر «سَبِیلُ الْأَنْبِیَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِینَ؛ راه انبیا و شیوه صالحان» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹ / ۴۸۲) است. تعبیر نظارت همگانی به‌جای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر به این سبب است که نظارت به‌معنای «مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد» (ر.ک: شیخی، ۱۳۹۰: ۱۳؛ سیدرضی و برزگر، ۱۳۹۵: ۲۹) آمده است. بایستی آرمان انقلاب در معنویت به‌درستی و با دقت، برپایه آیات و روایات و سخنان امامین انقلاب ترسیم شود و راهی که رفته‌ایم با آن آرمان سنجیده شود. آنگاه، می‌توان برای آینده معنوی انقلاب و بسط معنویت و اخلاق در جامعه برنامه‌ریزی کرد.

برای درک وضعیت موجود، سنجه‌های ذیل می‌تواند معیار شناسایی وضع معنوی جامعه باشد:

ـ میزان اهتمام آحاد جامعه به دفاع از دین و ارزش‌های دینی، درصد واکنش به انحرافات اعتقادی و میزان همت در سازگاری باورهای خویش با مبانی اعتقادی اسلام.

ـ میزان اهتمام به دفاع از نظام ولایی و میزان تلاش در سازگاری رفتارهای خود با فرمان‌های ولیّ خدا.

ـ میزان راستگویی و راست‌کرداری و میزان پایبندی و عمل به وعده‌های خود.

ـ میزان تقید به امر به معروف و نهی از منکر.

ـ میزان انس با قران و دعا، میزان اهتمام به شرکت در مناسبت‌های دینی و انقلابی و میزان احترام به پیشکسوتان ایثارگری.

ـ میزان رعایت عفت در رفتار و گفتار و پوشش.

ـ میزان اهتمام به معاشرات با افراد مؤمن و انقلابی، میزان تقید به اجتناب از افراد فاسق و محیط آلوده به گناه.

ـ میزان اهتمام به رعایت حقوق دیگران، خدمتگزاری و وجدان‌کاری.

ـ میزان رعایت عدالت و انصاف در فرصت‌های اجتماعی پیش‌رو.

ـ میزان بردباری و سعه‌صدر در ارتباط با دیگران، میزان استقامت در انجام مسئولیت اجتماعی، و میزان انتقادپذیری.

ـ میزان رعایت آداب نظامی، آراستگی ظاهری و حضور به‌موقع و میزان اهتمام به تشویق دیگران به نظم و انضباط.

ـ میزان ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری، میزان برخورداری از روحیه قناعت و مناعت طبع، میزان فروتنی و تواضع.

ـ میزان توجه به خانواده و میزان ترغیب و هدایت خانواده به اصول معنوی انقلاب.

اینها و بیش از اینها می‌تواند ملاک خوبی برای تنظیم پرسش‌نامه و تعیین میدانی و مستند به آمار وضع معنوی جامعه باشد. آنگاه، می‌توان به تصمیم‌ها و اقدام‌های مناسب چشم دوخت. این رویه باید مستمرّ در برآورد معنویت جامعه انجام شود.

نتیجه

از مجموع آنچه در این نوشتار آمده است می‌توان نکاتی به این ترتیب را برداشت کرد:

ـ مراد از معنویت برجسته‌کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکّل، ایمان، در خود و در جامعه است و مراد از اخلاق رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی و دیگر خلقیّات نیکو است و مراد از انقلاب اسلامی انقلابی مبتنی‌بر مبانی اسلامی و برآمده از آرمان‌های اسلام است که نظام مرتجع و وابسته به بیگانه را سرنگون کرد و سبب تحول بنیادین در آرمان‌ها شد.

ـ راهبرد اصلی نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه راهبرد «گفتمان‌سازی معنویت» است، که در پنج گام تعبیه‌شده و با راهکارهایی چون حذف گفتمان‌های معارض، شاخص‌سازی و واژه‌سازی امکان تحقق دارد.

ـ گفتمان‌سازی معنویت نیازمند «آگاهی به ارزش» با تصویرسازی صحیح، «تبدیل آگاهی به معرفت عمومی» با تبیین لازم عالمانه و منطقی، «تبدیل معرفت به باور عمومی» با تفکر و تعقل و اندرزی نیکو و زبانی خوش و «تبدیل باور به رفتار» با ارائه الگوی عملی و«تبدیل رفتار به فرهنگ» با استمرار و تأکید بر مراحل پیشین و مطالبه‌گری است.

ـ راهبردهای فرعی نظام اسلامی در بسط معنویت و اخلاق تقویت بنیه دینی آحاد جامعه اسلامی [با الگوگیری، تقویت غیرت دینی، تهییج حماسی و حسینی آحاد جامعه اسلامی، تقویت روحیه توسل به ولیّ خدا و تقویت روحیه انتظار است، که در دو راهکار خودسازی و کادرسازی خلاصه می‌شود] و تقویت نظام آموزشی [با سدّ راه نفوذ دشمن و رفع آسیب‌های نظام آموزشی] است.

ـ برخی راهکارهای نظام اسلامی برای بسط معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی عبارت است از: انقلاب مستمر و تکرار پیام‌های معنوی، جوشش معنویت از قله‌ها و کشف وضعیت معنوی کنونی و برنامه‌ریزی برای آینده معنوی انقلاب.

سخن پایانی: ارائه پیشنهاد

در برخی از بندهای نوشتار پیشنهادهایی ارائه‌شدنی است اما بسط سخن در این مجال و در این نوشتار نبود. ازاین‌رو، فهرستی از آنچه می‌تواند در تقریر دیگری مدنظر پژوهشگران باشد ارائه می‌شود:

ـ در بحث از انقلاب اسلامی بیان شد که معنویت و اخلاق در شکل‌گیری تمدن اسلامی مؤثر است. برخی از آثار گرایش به اخلاق و معنویت در رسیدن به تمدن اسلامی عبارت است از: معنابخشی به زندگی و زدودن احساس پوچی، معقول و متعالی‌بودن زندگی اخلاقی، احساس‌مسئولیت و تعهدبخشی به فرد و جامعه، آرامش روحی و نشاط معنوی، کرامت‌بخشی به جامعه بشری، هدفمندی زندگی و حیات طیبه، که در این نوشتار مجالی برای بحث از آنها نیست.

ـ در بحث حذف گفتمان معارض از معنویت اصیل سخن رانده شد. شاخص‌های معنویت اصیل از این قرار است: ایمان و عمل صالح توأمان (عصر / ۳ ـ ۲؛ فاطر / ۱۰)، آخرت‌باوری و استخدام دنیا (برای نمونه ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۳۰ ـ ۲۹؛ شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۹۰)، قناعت (برای نمونه ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴: ۵۰۹ ـ ۵۰۸)، حیات طیبه (نحل / ۹۷) و حکومت دینی (مائده / ۴۴). بسط

کلام در این شاخص‌ها مجالی دیگر را می‌طلبد.

ـ در بحث از سیاه‌نماها گفته شد که سیاه‌نماها عوامل مخلّ ارتباط مؤثرند. این عوامل می‌تواند نشان از ضعف فرستنده و نارسایی پیام، ضعف پیام در دیرفهمی آن، یا ضعف گیرنده در حواس‌پرتی باشد. راهکار مقابله با پارازیت‌ها عبارت است از: ارتقای سطح دانش، مهارت، ظرفیت و صلاحیت مربیان برای رسایی پیام و کنترل آموزشگاه و نحوه درست ارتباط با فراگیر، ارتباط سطح وسایل ارتباطی و به‌کارگیری فنّاوری در آموزش مفاهیم دینی برای ارسال درست و بهینه پیام، و ارتقای سطح جذابیت اخلاقی و معنوی مربیان و تسلط آنها بر روش‌های بسط معروف در جامعه برای تقویت گیرایی پیام و نهادینه‌سازی پیام‌های دینی. بسط کلام در این باره مجالی دیگر را می‌طلبد.

ـ بیش از راهکارهایی که برای بسط معنویت و اخلاق در بخش پایانی نوشتار بیان شد، می‌توان به راهکارهایی از این دست اشاره کرد: نهادسازی، ارائه تعریف‌های کاربردی از مبانی معنویت، اقدامِ به‌هنگام، بهره‌گیری از فضای مجازی و حکمت بنیادین. شرح هریک از این مقولات مجالی دیگر می‌طلبد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. آرنت، هانا، ۱۳٦۱، ***انقلاب***، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی.

۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین، ۱٤۰۵ق، ***عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة***، قم، دار سید الشهداء للنشر.

۳. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، ۱٤۱٤ق، ***لسان العرب***، بیروت، دارالفکر، دار صادر.

٤. ابن‌نعمان [شیخ مفید]، محمدبن‌محمد، ۱٤۱۳ق، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، قم، کنگره شیخ مفید.

۵. ارونسون، الیوت، ۱۳۸۲، ***روان‌شناسی***، ترجمه حسین شُکرکُن، تهران، رشد.

٦. الهام‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۹۰، ***معنویت اسلامی (چرایی، چیستی و چگونگی)***، قم، زمزم هدایت.

۷. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۰، ***آداب‌الصلاة***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۸. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷٦، ***صحیفة امام***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۹. انوری، حسن، ۱۳۸۱، ***فرهنگ بزرگ سخن***، تهران، سخن.

۱۰. برگ، اتوکلاین، ۱۳۸٦، ***روان‌شناسی اجتماعی***، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، علمی و فرهنگی.

۱۱. جمال‌الدین خوانساری، محمدبن‌حسین، ۱۳٦٦، ***شرح غررالحکم و دررالکلم***، تهران، دانشگاه تهران.

۱۲. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۷۷، ***اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر***، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۳. جوهری، اسماعیل‌بن‌حمّاد، ۱٤۰۷ق، ***الصّحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)***، تحقیق احمد عبدالغفور، عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

۱۴. حر عاملی، محمدبن‌حسن، ۱٤۰۹ق، ***وسائل الشیعه***، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۵. حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱٤۱٤ق، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، بیروت، دارالفکر.

۱٦. حسینی طهرانی، سید محمدحسین، ۱٤۲۸ق، ***امام‌شناسی***، مشهد مقدس، علامه طباطبایی.

۱۷. حسینی، محمد، ۱۹۸۹م، ***الامام الشهید***، بیروت، دارالفرات.

۱۸. حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران، ۱۳۸۱، ***فرهنگ معاصر هزاره***، تهران، فرهنگ معاصر.

۱۹. حمیدیه، بهزاد، ۱۳۹۲، «جنبش‌های نوپدید معنوی، دین یا عرفان؟!»، ***ادیان و عرفان***، بهار و تابستان ۱۳۹۲، س ٤٦، ش ۱، ص ۵۰ ـ ۲۹.

۲۰. داودآبادی، حمید، ۱۳۹۲، ***دیدم که جانم می‌رود***، قم، مجد اسلام، ۱۳۹۲ش.

۲۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، ***لغت‌نامه دهخدا***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.

۲۲. دیلمی، حسن‌بن‌محمد، ۱٤۱۲ق، ***إرشاد القلوب إلی الصواب***، قم، شریف رضی.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، ۱٤۱۲ق، ***مفردات ألفاظ القرآن***، بیروت ـ دمشق، دار القلم ـ الدار الشامیة.

۲٤. سالاری، محمدمهدی. «جایگاه واژه سازی و نهادسازی در تأسیس تمدن بزرگ اسلامی»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۵ آذر ۱۳۹٦؛ دسترسی در: http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=23036

۲۵. سیدنژاد، سیدرضی و یعقوب برزگر، ***احکام نظارت و بازرسی براساس فتاوای امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)***، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵ش.

۲٦. شریف رضی، محمدبن‌حسین، ۱٤۱٤ق، ***نهج‌البلاغه***، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

۲۷. صفار، محمدبن‌حسن، ۱٤۰٤ق، ***بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد علیهم‌السلام***، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷٤، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.

۲۹. علیزمانی، امیرعباس، ۱۳۸٦، «معنای معنای زندگی»، ***نامه حکمت***، س۵، ش۱۰، ص ۸۹ ـ ۵۹.

۳۰. قائمی‌مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۷، «روش تربیتی تذکر در قرآن کریم»، ***دوفصلنامه تربیت اسلامی***، سال سوم، ش ٦، ص ۹۲ ـ ۵۷.

۳۱. کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱٤۰۷ق، ***الکافی***، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چ چهارم.

۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰۳ق، ***بحارالأنوار الجامعة لدررالاخبار الائمة الاطهار***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۳. محسن شیخی، علی‌اصغر، ۱۳۹۰ش، ***نظارت و بازرسی***، قم، زمزم هدایت.

۳٤. مطهری، مرتضی، بی‌تا، ***مجموعه آثار***، برگرفته از نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری، قم، علوم کامپیوتری نور.

۳۵. معلوف، لوئیس، ۱۳۸٤، ***المنجد***، تهران، ایران، چ هفتم.

۳٦. نگارش، حمید، ۱۳۹۰، ***فرقه‌های نوظهور***، قم، زمزم هدایت.